

احمد بهمنیار  
استاد فقید دانشگاه تهران

## سبک نگارش و تالیف

- ۷ -

- ۱۳- ابن ابی اصیبعه (متوفی در ۵۸۷) مؤلف عیون الانباء فی طبقات الاطباء .  
۱۴- شهاب الدین سهروردی معروف به مقتول در ۵۸۶ وی از حکماء و فلاسفه بزرگ و مروج فلسفه اشراق بوده در حلب بدست الملك الظاهر بامر صلاح الدین ایوبی با تهم فساد عقیده کشته شد و در آن وقت ۳۶ ساله بود و با وجود کمی عمر مؤلفات و آثار بسیار از خود بیادگار گذارده است و از آن جمله است حکمة الاشراق، هیاکل النور، المطارحات، شهاب الدین در ادب نیز مهارت داشت وی بفارسی و عربی شمر می گفت و او را مقتول خواندند تا از شهاب الدین سهروردی که نامش ابو حفص بوده ممتاز باشد .
- ۱۵- ابوالولید محمد بن احمد معروف با بن رشد که اروپائیان او را «Averrose» میگویند یگانه فیلسوف اندلسی است که اروپائیان در نهضت علمی خود از مؤلفات او استفاده و بسیاری از کتب او را بلا تین ترجمه کرده اند و بوسیله مؤلفات او بود که بغلسفه ارسطویی پی برده اند از مؤلفات ابن رشد کتابی است بنام فصل المقال فی مابین الشریعة و الحکمة من الاتصال و در این کتاب خواسته است فلسفه را با مذهب آشتی دهد (وفات او ۵۹۵) .
- ۱۶- ابوالفرج بن جوزی (متوفی در ۵۹۷) وی در عصر خود از وعاظ معروف و در ادب و تاریخ و تفسیر و حدیث و فقه و طب و نجوم قریب ۱۰۰ جلد مؤلفات داشته است و از جمله آنها المنتظم فی تاریخ الامم - اخبار الاذکیاء المدهش، المذهب، المسبوك فی سیر الملوك است .

### قرن هفتم

در آغاز این قرن سلطان بن محمد خوارزمشاه تمام ممالک اسلامی را تقریباً بزیر فرمان در آورده و ملوک طوایف را مطیع و مقهور ساخته بود و هنوز بر سر آن بود که به بغداد رود و خلافت عباسیان را منقرض سازد که ناگاه طوایف وحشی و خونخوار مغول بایران هجوم آوردند و در مدتی اندک سراسر این کشور را فرا گرفتند و بهر کجا قدم نهادند اثری از آبادی و حیات باقی نگذاشتند تمام حکومتهای مستقل از کوچک و بزرگ در این بالای آسمانی از بین رفتند بجز حکومت اتابکان فارس و اتابکان لرستان و قراخانیان کرمان - اتابکان فارس با مغولان از در صلح درآمدند ، و مبلغی بمنوان خراج متقبل شدند که هر سال بدهند و در نتیجه این حسن تدبیر فارس از قتل عام و ویرانی مصون ماند و برای دانشمندی که از شمشیر مغول جانی بدر می بردند ملجأ و پناهگاهی گردید بقیة السیف علما و ادبا و فلاسفه و

حکما و نویسندگان ایرانی در اطراف جهان پراکنده شدند و گروهی نیز بفارس روی نهادند و در پرتو عنایت و حمایت اتابکان سلغری به نشر علوم و معارف که یگانه وظیفه آنها بود مشغول شدند قراخانیان کرمان نیز همین طریقه را معمول داشتند و بیاج گزاردن بخزاین مغول قلمرو حکمرانی خود را از شر آنها حفظ کردند.

بلاد شام و مصر در این قرن از تجاوز و تعدی مغولها تا حدی محفوظ ماند در مصر ایوبیان تا اواسط این قرن حکومت داشتند و بعد یکدسته از امراء که ممالیک نامیده میشدند جای آنها را گرفتند. سلجوقیان روم با همه ضعف و سستی که عارض آنها شده بود تا اواخر این قرن باقی بودند و اما سلسله‌های اتابک نام به جز دوسلسله که گفتیم بعضی بدست یکدیگر و بعضی بدست خوارزمشاهیان و ایوبیان و مغولان از بین رفتند.

از وقایع بسیار مهم این عصر منقرض شدن خلافت ۵۰۰ ساله عباسی بود که تأثیر آن در اوضاع اجتماعی اسلام و مجزا ساختن کشورهای اسلامی از یکدیگر مبحثی جداگانه دارد. انقراض خلافت عباسی در نیمه این قرن بود و در همین وقت هم پادشاهی مغول در ایران تأسیس شد که هلاکو سلسله ایلخانی را تشکیل داد و این سلسله تا یک قرن بر ایران حکومت کردند.

ملوک غرناطه را که در اندلس حکمرانی داشتند از خاطر نباید برد و سابقاً اشاره کردیم که در حدود ۴۲۲ خلافت اموی اندلس منقرض شد و بجای آن ملوک طوایف بر قرار گردید از این تاریخ آن دولت اسلامی روی بضعف نهاد و اروپائیها که منتظر فرصت بودند قطعات این مملکت را یکی بعد از دیگری از دست مسلمانان گرفتند و در این قرن تنها غرناطه در دست مسلمانان باقی بود و امرائی بنام بنی‌الاحمر در آن جا حکمرانی داشتند و حکومت آنها تا اواخر قرن هشتم برقرار بود و این حکومت کوچک در تاریخ علم و ادب عنوانی مخصوص دارد.

اما اوضاع علمی و ادبی این عصر در حمله مغول بطوریکه می‌دانیم قسمت مهمی از آثار نابود گردید و از آنچه فکر دانشمندان اسلام مخصوصاً ایرانیان در مدت شش قرن از خود بیادگار گذارده بودند جز اندکی بجای نماند و اگر همت بازماندگان علما و امراء نبود از مدنیت اسلامی برجای باقی نماند.

از امرای این عصر مغولان که از همه مقتدرتر بودند با علوم و معارف اسلامی سر و کاری نداشتند و تشویق آنها از عده‌ای دانشمندان بواسطه علاقه بعلم نجوم و عقیده به تأثیر کواکب بود و بنابراین امرای معارف پرور را باید در سلسله‌های دیگر از ملوک اسلامی جستجو کنیم و اتفاقاً این خانواده‌ها نیز اغلب بنخود گرفتار و بیچنگ و فتنه‌های داخلی و خارجی دچار بودند و باین همه معدودی را می‌شناسیم که بعلم و ادب و تشویق علما و ادبا بیش از دیگران توجه داشته‌اند و معدودی از آنها را ذیلاً نام می‌بریم و قبلاً این نکته را خاطر نشان مینمائیم که در این قرن در کشوری دور دست که هندوستان باشد چندین حکومت کوچک اسلامی تشکیل یافته که دوره شکوه و جلال آنها قرنهای آینده‌است. در میان ملوک و امرای هندی هم گروهی معارف خواه بودند که نویسندگان و مؤلفین را تشویق می‌کردند و مخصوصاً در هنگام حمله مغول یک پناهگاه دانشمندان فراری، مملکت هندوستان بود که اغلب

آنها می‌رفتند و رحل اقامت می‌افکندند.

۱- محمد خوارزمشاه (متوفی در ۶۱۷) این سلطان نسبت باهل علم و عرفان ارادتی بی اندازه می‌ورزید و در پرتو حمایت او دانشمندی از قبیل فخر رازی به نشر و ترویج علوم اشتغال داشتند و فخرالدین بنام او و پدرش چندین کتاب تألیف کرده است .

۲- خواجه نصیرالدین طوسی (وفات ۶۷۲) مشاور و تقریباً وزیر هلاکو که در ضمن مؤلفین نام او را یاد خواهیم کرد.

۳- ابن علقمی محمد بن احمد - وزیر مستصم آخرین خلیفه عباسی ( وفات ۶۵۶) که ابن‌الحدید شرح نهج‌البلاغه را بنام او تألیف کرده است .

۴- غیاث‌الدین کبخی‌سرو پسر قلج ارسلان از سلاجقه رم ( وفات ۴۰۷ ) که راوندی راحة‌الصدور را بنام او تألیف کرده است.

۵- هلاکو فرمانروای مغول (وفات ۶۶۳) که بواسطه اعتقاد به نجوم خواجه‌نصیر-الدین را که در ریاضیات استادی معروف بود و جمعی دیگر از علما را با نهایت عزت و احترام نگاهداری کرد و اوقاف مملکت را در اختیار خواجه گذارد تا در نشر معارف صرف کند .

۶- شمس‌الدین محمد جوینی معروف بساحب‌دیوان وزیر هلاکو و اباقا خان که در علوم عقلی و نقلی و ادبیات استاد بود و در شصت و هشتاد و سه بقتل رسید و سعدی شیرازی صاحبیه را بنام او تألیف کرده است .

۷- ناصرالدین عبدالرحیم که از طرف اسماعیلی‌ها حاکم قهستان بود و خواجه نصیر-الدین طوسی کتاب اخلاق ناصری را بنام او نوشته است .

### بعضی از مؤلفین نامی قرن هفتم

۱- فخرالدین محمد بن عمر رازی معروف به فخر رازی (وفات در ۶۰۶) از بزرگان علمای ایران و در بیشتر علوم یگانه عصر خود او را باستحقاق علامه می‌خواندند پس از تکمیل تحصیلات در ری و مراغه بخوارزم رفت و در آنجا بواسطه اختلاف عقیده با علمای محل نتوانست بماند و بماوراء النهر هم مجبور بمهاجرت شد و بوطن برگشت بعد سفری بقرنه رفت و از شهاب‌الدین غوری اکرام بسیار دید و بخراسان بازگشت و بسبب انتساب بمحمد خوارزمشاه جاه و جلالی عظیم یافت و از اطراف جهان دانشجویان به مجلس درس او حاضر میشدند و معروفست که وقتی از خانه بمدرسه میرفت سبب دانشجوی در رکابش حرکت میکردند . او درهرات وفات یافت و مدفون شد ، فخر رازی قریب هشتاد جلد مؤلفات دارد و از جمله تفسیر کبیر اوست که نامش مفاتیح‌الغیب است درهشت جلد کتاب المباحث الشرقيه . فخر رازی برمی‌و فارسی شعر می‌گفت و مؤلفات فارسی نیز دارد .

۲- نورالدین محمد عوفی از مشاهیر ادبا و نویسندگان و از آثار او لباب‌الالباب است که در اروپا در دو جلد چاپ شده و دیگر جامع‌الحکایات است که از کتب نفیس فارسی بشمار میرود این هر دو کتاب را در هندوستان و بنام دوتن از امرا و بزرگان هند تألیف کرده تاریخ وفات او معلوم نیست .

۳- شهاب‌الدین یاقوت حموی (وفات ۶۲۶) وی اصلاً رومی بود و در کودکی اسپر شد و او را در بغداد به تاجری فروختند تاجر او را به تحصیل واداشت و او تحصیل علم کرد و در نوشتن خط استادی کامل یافت چندین مرتبه برای خواجه خود سفر رفت و تجارت کرد تا خواجه او را آزاد ساخت و از این تاریخ به تألیف و تصنیف و مطالعات علمی مشغول شد یاقوت بسبب خواندن کتب خوارج نسبت به علی علیه السلام بغض داشت و وقتی در بغداد باشخص علوی مباحثه می‌کرد و در ضمن نسبت به علی (ع) بی‌ادبی نمود مردم بر او شورش کردند و او را تا حد مرگ زدند و او نیمه جان بحلب فرار کرد و از آنجا بخراسان رفت و مدتی در مرو و خوارزم بود و در هجوم مغول با ایران فرار کرد و گرسنه و برهنه بحلب برگشت و در کاروانسرای در بیرون آن شهر وفات یافت. یاقوت کتاب بسیار دیده و از کتب استفاده زیاد کرده بود و تألیفات بسیار سودمند و مشهور دارد از جمله معجم البلدان و معجم الادباء است. در تاریخ هم کتابی بنام کتاب الدول تألیف کرده است.

۴- عزالدین معروف بابن اثیر (وفات ۶۳۰) از مورخین بزرگ و دانشمندان نامی بود و مهمترین اثر او تاریخ الکامل است مشتمل بر دوازده جلد بزرگ که وقایع عالم را تا سال ۶۲۸ با ترتیبی پسندیده ضبط کرده است دیگر از مؤلفات او کتابی است در شرح حال صحابه پیغمبر معروف به اسدالغابه فی معرفة الصحابه مشتمل بر پنج جلد. (ادامه دارد)

# یغما

مؤسس و مدیر: حبیب یغمائی  
سر دبیر: بانود کتر نصرت تجربه کار  
مدیر داخلی: پرویز یغمائی

( زیر نظر هیأت نویسندگان )

دفتر اداره: تهران - خیابان خاتوا - شماره ۱۵

تلفون ۳۰۵۳۴۴

بهای اشتراك سالانه: ایران شصت تومان - خارجه یکصد و بیست تومان

تک شماره شش تومان